شود که آنجا رسیدگی شود و از قراریکه امروز اطلاع حاصل کرده‌ام دوسیه مدعی‌العموم رفته والبته باید تاکید شود که قضیه را درآنجا تمام کنند و حکم بدهند چون مسلم است که مأمورین تأمینات درقضایای سرقت باآن وسایل قانونیکه هست وظیفه دارند امر را تعقیب کنند ومطلب را کشف نمایند وحق دارند تامیزان معینی حبس کنند ولی حق اینطور شکنجه ومضیقه‌ها را ندارند و البته اگر قضیه اینطور باشد وثابت شود اشخاصیکه مرتکب این تقصیر شده‌اند هر کس باشد باید مطابق قانون مجازات شود

نایب رئیس ـ رأی می گیریم بکفایت مذاکرات راجع به پیشنهاد شاهزاده

محمد هاشم میرزا ـ آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

نایب رئیس ـ معلوم میشود کافی نیست آقای آقاسید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل ـ بنده می‌خواستم یك اصل مسلمی را عرض کنم وآن این است که قصد معصیت عقاب آور نیست این مطالبی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند گمان میکنم یك مطالب خیالی است ومصداقی ندارد وباخیال نمیشود گفت که اگر در آتیه قضیهٔ واقع شود من حالا تورا عقاب میکنم زیرا قضیه‌های فرضی نتیجه‌اش هم فرضی است ومن وقت مجلس را مهم‌تر ازاین میدانم که صرف یك قضایای تصوری و فرضی بشود اگر انسان بخواهد وارد خیال بشود و بخیال خوشوقت شود بنده خیالات بالاثر میکنم •

ایشان صد هزار دلار فرمودند بنده صد میلیارد میگویم ولی وجود فرضی اثر فرضی دارد ونمیشود بروجود فرضیات آثار قطعی داد وبنده بااین پیشنهاد مخالفم و گمان می‌کنم که حقیقتاً اگر جریان محل باین منوال بگذرد خطسهٔ بزرگی بماوارد خواهد آمد لهذا نسبت بخودم بااین وضعیات جاریه نهایت تأسف وتألم را دارم و می‌بینم که بدست خودمان یامستقیم یاغیر مستقیم می‌خواهیم کاری بکنیم که خدای نخواسته نظیر چیزیکه دردوره سوم به مجلس واردشده بود ولی امیدوارم که آقایان اهتمام کرده منهم شرکت کنم که این رویه را تغییر بدهم

نایب رئیس ـ چون عده برای مذاکره کافی نیست بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد) •

رئیس مجلس ـ مؤتمن الملك

جلسه ۲۰۸

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و سوم جدی ۱۳۰۱ برابر ۲۵ جمادی ـ الاولی ۱۳۴۱

مجلس دوساعت قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم شنبه ۲۲ جدی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس ـ گویا ایرادی نباشد؟

(اظهاری نشد)

رئیس الوزراء ـ آقایان بهتر میدانند درجلسه پریروز وهمچنین جلسه دیروز که بنده حضور نداشتم سر تا سر مجلس به موضوع صدوپنجاه هزار دولار که ابتداء بعنوان حق دلالی نفط عنوان شد وبعنوان قرض اظهار شد وتمام وقت مجلس را بخود مشغول کرده بود بعد از آنکه بنده در جلسه پریروز مسبوق شدم که یك چنین مذاکرهٔ درمجلس بمیان آمده است البته وظیفه خود میدانستم چه ازنقطه نظر شخصی وچه از نقطه نظر رسمی قضیه را تکذیب کنم این بود که عرض کردم موضوع صد وپنجاه هزار دولار بعنوان حق دلالی نفط بکلی بی اساس است و من جداً تکذیب می کنم بعد درخاتمه مذاکرات موضوع قدری پیچید واظهار شد که شاید راجع بمسئله قرض بوده است البته آقایان بحافظه من ملامت نخواهند کرد اگر در ابتدای شنیدن این مذاکرات بقضیه منتقل نشده باشم زیرا موضوع مذاکره مسئله امتیاز نفط بود وموضوع قرض در میان نبود و پیشنهادی هم که من تقدیم کرده بودم بکلی مسئله قرض وامتیاز نفط را ازهم تجزیه کرده بودم وچیزی که در مجلس مطرح مذاکره بود موضوع امتیاز نفط بودو باز تصور میکنم آقایان بیشتر عرایض مرا تصدیق نمایند که هیچ مورد نداشت همچوچیزی بحافظه من خطور کند زیرا اولا گفته شده بود که صدوپنجاه هزار دولار بابت حق دلالی نفط است ثانیاً گفته شده بود تعجیل در این کار برای گرفتن حق دلالی است ثالثاً گفته میشد یك همچو نظری هست والبته در صورتیکه اولا ۱۵۰ هزاردولار نباشد و ثانیاً راجع به قضیه نفط نباشد و راجع بقضیه قرض باشد و همچو قرضی هم نشده باشد وآن مقداری هم که گرفته شده باشد در کابینه من نباشد در اینصورت اگر بحافظه من خطور نکرده باشد حافظهٔ من نباید مورد ملامت واقع گردد •

ثالثاً همانطوریکه عرض کردم من باید هم از نقطه نظر شخصی و هم ازنقطه نظر رسمی این مطلب را دفاع کنم این بود که قضیهٔ صدو وپنجاه هزار دولار را تکذیب کردم ودرموضوع نفطهم گفتم اصراری که من در گذراندن این قانون میکنم ازنقطه نظر مصالح مملکت است وهمانطور که آقایان نمایندگان دراظهار عقیده خود آزاد هستند البته یکنفر رئیس دولت هم دراظهار عقیده خودش آزاد است واین تکلیف من است که به نمایندگان محترم بگویم تعجیل دراین امر موافق صلاح مملکت است وبازنمایندگان محترم عرض کنم که تأخیر دراین امر مخالف صلاح مملکت است و البته دراین موضوع بمن نباید اعتراض کنند •

یکی از آقایان نمایندگان محترم اظهار داشته بودند که امتیاز نفط در این کابینه نمی گذرد بعقیده بنده ایشان اشتباه کرده‌اند امتیاز نفط مربوط بکابینه من نیست اگر برای خیروصلاح مملکت است که هم در آن سهیم و شریك هستیم (بعضی از نمایندگان ـ صحیح است) گویا در یك جلسه دیگر هم گفتم که این کار بتوسط خود مجلس بگذرد واصلا این کاررا از دست دولت خارج کنند بعلاوه اگر شما معتقد هستید که این کار بگذرد ولی دراین کابینه نباشد بنده شمارا متذکر میکنم که نگذشتن این امر دراین کابینه اسباب تسریع نمیشود بلکه اسباب تأخیر میشود زیرا اولا ممکن است بطوری که شما تصور میکنید این کابینه باین زودی ازبین نرود درآن صورت چه خواهید کرد ؟

یاممکن است این کابینه برود وتاکابینه دیگر تشکیل شود مدتی طول بکشد پس بعقیده من اگر این کاررا که موافق صلاح مملکت است خودمجلس دردست بگیرد و زودتر بگذراند البته بهتر است

اینجا راجع به تلگرافاتی که ازواشنگتن رسیده است مذاکراتی شده بود ـ عرض کردم چون این تلگرافات اولا درچهارده ماه قبل رسیده بود وثانیاً موضوعیکه مذاکره میشود تقریباً مربوط باین قضیه نبود من حق داشتم فراموش کرده باشم ولی بعد که متذکر شدم بطور تردید مختصری توضیح دادم لهذا حالا عین آن تلگرافات را برای آقایان آورده‌ام ومخصوصاً آن کتابچه که دیروز بآن اشاره شده است بهمان نام ونشان وبهمان قطع و اندازه وبهمان طول وعرض ملاحظه فرمائید ولازم است که عرض کنم وخطاب بمملکت کنم وبگویم بدبخت ایران این سندی است که یك روز مفتخر کننده من است ویك روز محکوم کننده من این است عین تلگراف که الان برای آقایان می‌خوانم. درتلگراف اولی می‌نویسد :

(پس ازمطالعه ومشورت باخیرخواهان برای تحصیل موقع نتیجه قصراً پیشنهاد می کنم دولت علیه مانندسایردول یکنفر وکیل مالیه بااختیارات درنیویورك معین کند تحت نظر سفارت عمل استقراض را ازروی بصیرت انجام دهد)

اولا لازم نیست عرض کنم والبته آقایان مستحضر هستند درموقعیکه این تلگرافات میشد دولت ازحیث نرسیدن حقوق قشون و ادارات دچارچه مضیقه بود وچه موقع باریکی بود(ممکن نیست وزیرمختاری که ممکن است درمسائل بسیار دقیق فنی خبط نماید (همهمه •••) همه روزه بابانگها طرف شده حیثیت دولت علیه را ازدست بدهد کسی که بواسطه سابقه اطلاع ازایران حرف اومیان سرمایه‌داران مسموع ومؤثر است و ازهر جهت لایق این خدمت وشخص مطمئن است شوستر است اورا متقاعد کردم که این شغل را قبول کند ولی نمیتواند وقت خودرا بلاعوض صرف اینکار مشکل کند شوستر حاضر شده است باوثیقه‌هائیکه داریم مبلغی برای دولت ایران قرض کند و ازبابت وجه کمیسیون که معمولا می‌دهند وبنده بهیچوجه طمعی بآن ندارم صد یك ونیم حق الزحمه دریافت دارد بشرطیکه دولت علیه ضمانت نماید هر گاه قرض نشد درآخر سه سال مبلغ پانزده هزار دولار باو بپردازد)

بنده از این تلگراف همچو استنباط کردم شاید پس ازآنکه قرض بشود بانگها یك حق العملی می‌دهند ولی اگر من میخواستم خودم این حق العمل را می گیرم البته این تلگراف را نمی‌آوردم در کمیسیون خارجه قرائت کنم واگر مکتوم می‌ماند صلاح من بود خلاصه بنده این تلگراف را درجواب واشنگتن مخابره کردم :

درباب شوستر ترتیبی که درتلگراف نمره ۵۱ ذکر کرده بود پیشنهاد شما پذیرفته میشود بدیهی است اگر موفق شوید حق‌العمل شوستر را ازمیزانی که ذکر کرده‌اند کمتر معین نمائید وتفاوت او بخزانه دولت برسد البته بهتر خواهد بود)••

(بعضی از نمایندگان — احسنت احسنت) •

این تلگرافی بود که من در جواب تلگراف واشنگتن مخابره کردم و جوابی که مجدداً ازواشنگتن رسیده است یك تلگراف مفصلی است که خاتمه تلگراف راجع باین موضوع است:

میگوید ـ در باب حق الزحمه شوستر در رمزسی ودوفرموده بودید معین نمایم جسارتاً عرض می‌شود معمولا حق العمل را طرفی که معامله کرده است می دهد و بانکها بهیچ اسم ورسم چیزی نمی‌دهند مگر خودشان واسطه این کار باشند نه اینکه دولت علیه عقب آنها برود شوستر امروزه به ایران خدمت بزرگی نموده است باور کردنی نیست چون در این معامله خود را نوکر می‌داند •

هیچ نوع بهیچ طرف دیگر چشم داشت نداشته مزد حسابی از دولت ایران متوقع است (اینجا یك اعدادی معین نموده ونوشته است که نمی دانم صد چند است •)

این است که بصد یك ونیم ازاصل مبلغ قرض اکتفا کرده است و سایردول صدچهار الی صدپنج هم می‌دهند ولی او بصد یك و نیم اکتفا کرده است هر گاه تصدیق نفرمائید حاضر است که بلاشرط موضوع باهل اطلاع رجوع شود تاحق اورا بطور حکمیت معین کنند این بود عین تلگرافات که نام ونشان آنها اینجا ذکر شده بودو ازاین تلگرافات چندچیز معین میشود •

اولاً ـ صد وپنجاه هزار دولار نبوده است ومعلوم نیست چقدر بوده

ثانیاً ـ راجع به نفط نبوده و راجع بقرض بوده است .

ثالثاً ـ چیزی گرفته نمی‌شود بلکه داده می‌شود یعنی دولت یك چیزی هم دستی می‌دهد و چیزی نمیگیرد .

رابعاً ـ در کابینه من نبوده است یعنی مقدمه این مذاکرات در کابینه بنده شده و در بین این مذاکرات بنده عقب رفتم و کابینه آقای مشیرالدوله روی کار آمد و یك ملیون دولار قرض شد پانزده هزار دولار هم بابت حق‌الزحمه شوستر از همین یك میلیون دولار پرداخته شده است این بود اصل قضیه .

اما مجدداً عرض میکنم در مسئله لایحه نفط بنده هیچ نظر خصوصی وغرض شخصی ندارم بلکه تکلیف یکنفر رئیس دولت این است که بگوید و آقایان را متذکر بکند که چه چیز موافق صلاح مملکت است وچه چیز موافق صلاح مملکت نیست . چرا تکلیف رئیس دولت است که برای اینکه او درجریان امور است و موظف است عقاید خودرا بگوید اگر نگوید در تکلیف خودش قصور کرده است .

(صحیح است ـ احسنت)

وبنده هیچ نظری ندارم که این کار در کابینه من بگذرد یا در کابینه دیگری بنده بطوری که عرض کردم چون این کار خدمت را بزرگی به مملکت می دانم می خواهم در کابینه من بگذرد و اگر هم در کابینه من نگذرد باز اگر محاسنی دارد نصیب من است و اگر هم مفاسدی دارد بازهم نصیب من است بجهت اینکه شروع این کار در کابینه من شده است ومن در اینکار حق ابداع داشته‌ام حق تعقیب هم دارم پس اگر اینکار یك وقتی بگذرد و شرافتی داشته باشد منهم در شرافتش سهیم و شریك هستم و اگر هم نتایج سوئی داشته باشد باز شریك هستم و بازعرض کنم من در این بابت هیچ ذی‌نفع نیستم و اگر اصرار میکنم از راه مصالح مملکت است و باز عرض کنم اینکار را تعقیب کنید که بخیر و صلاح مملکت است وابداً بمن نظر نداشته باشید و اینکه بعضی از آقایان می‌فرمایند ماموافق هستیم این اظهار موافقت شان را تصدیق و تقدیس می کنم و این اظهار موافقت آقایان بمن حق می‌دهد که بطور روشن وآشکار عرض کنم در یك مطلبی که بعقیده بنده خیرو صلاح مملکت در اواست جدیت نمائید که زودتر بگذرد و بتأخیر نیفتد چون هرروز در دستور مطالب متفرقه بحث می شود و اینکار تعویق می‌ماند اگرچه درهفته دوروز باینکار تخصیص داده .

ولی باز آنهم به مطالب متفرقه صرف می‌شود و بنده در عالم خیرخواهی وصلاح اندیشی چنان مصلحت می دانم که بطور یومیه جزو دستور گذاشته شود تا زودتر بگذرد و اگر کار های مهم‌تر هم هست ممکن است برای عصرها هم جلسه معین بشود که کارهای دیگر هم بگذرد بنده باز در خاتمه عرض میکنم در این توضیحات ابداً نظر خصوصی و شخصی نداشتم ومحض اینکه ذهن آقایان مشوب شده بود این تلگرافات را قرائت کردم ولی البته مقتضی نمی دانستم مطلبی که در ۱۴ ماه قبل ذکر شده بود توضیحی حالا خواسته شود و اگر مستلزم توضیح یاتعقیب بود خوب بود زودتر می‌فرمودند

رئیس ـ آقای حائری‌زاده

(اجازه)

حائری‌زاده ـ بنده این جمله را از طرف خودم عرض می کنم احتمال دارد رفقای بنده در این موضوع با من هم عقیده نباشند .

بنده چون یکی از مخالفین این قانون نفط هستم و ایشان تابحال چندین مرتبه فرمودند من محض خیر خواهی مملکت اصرار دارم که این قانون زودتر بگذرد مفهومش این است که کسانیکه مخالفت میکنند موافق مصالح مملکت کار نمی کنند در صورتیکه اینطور نیست بنده خواستم عرض کنم این طرزی که این لایحه پیش نهاد شده طرز خوبی نیست ومعنی ندارد چون معامله باید که طرف داشته باشد یعنی آن کمپانی که این امتیاز را می‌خواهد بگیرد باید تعهدات خودش را بگوید ومطالبی را که درنظر دارد پیشنهاد کند وماهم مطالب خودرا پیشنهاد کنیم تا کم وزیاد بشود وروی هم قطع شود واین بیست وچهار ماده قانونی که بمجلس آورده‌اند نه ماده‌اش تعهدات کمپانی است ودریك ماده دیگر اظهار می کند که تمام این ۹ ماده پس از مراجعه بکمپانی قابل تغییر هست

وسایر موادی که تعهدات ماست قابل تغییر نیست ممکن است ماازطرف ملت فلان تعهد را قبول کنیم ولی اگر کمپانی اورا قبول نکند آن وقت تغییر کند اینکه معامله متقابله نمی‌شود وبعلاوه گمان نمیکنم که این قانون بزودی ازمجلس بگذرد چون بیست وچهار ماده است سیزده ماده‌اش درمجلس مطرح شده دو ماده‌اش هم برگشته است بکمیسیون وهنوز درآن صحبت نشده است واین یازده ماده سه‌ماه طول کشیده تاباینجا رسیده درصورتیکه شور اول است و شور دوم این قانون گمان نمی کنم بعمر این مجلس وفا بکند بعلاوه طرف این معامله معلوم نیست که کیست ؟ واگر چنانچه مایك ماده را نوشتیم واوقبول نکرد چه بکنیم ؟

چون در یك ماده نوشته شده مواد تعهدات کمپانی قابل تغییر است واین صحیح نیست که ما بیائیم ودریك مسائل فرضی صرف وقت بکنیم ونتیجه هم جز تضییع اوقات مجلس نداشته باشد ما که وکیل کمپانی نیستیم که از طرف او دفاع بکنیم و تعهدات بنویسیم پیش خود که نمیشود کار کرد ماوکیل این هستیم که برای عدلیه یا سایر وزارتخانها قانون بنویسیم

مابرای اتباع داخله قانون وضع کنیم که از آن رو رفتار کنند ولی وکیل کمپانی امریکائی نیستم که داریم برای او قانون می‌نویسیم بعلاوه این طریقه که دولت لایحه نفت را بمجلس پیشنهاد کرده است برای معطل کردن این امتیاز خیلی طریقه خوبی است نه برای تسریع واگذاشتن آن در هر حال من شخصاً بااین قانون مخالف هستم ودر اغلب موادش هم اگر نوبت بمن برسد عرایض خود را عرض می کنم وبسمع مبارك آقایان میرسانم وبااین فرمایشی که ایشان فرمودند من از نقطه نظر خیرخواهی وصلاح مملکت تأکید میکنم این قانون زودتر بگذرد وشما چشم بسته بدون اینکه بفهمید طرف معامله‌تان کیست بگذرانید من مخالف هستم

رئیس الوزراء ـ خیر آقا همچو چیزی نیست اینطور عرض نکردم

حائری‌زاده ـ واما راجع بمسئله قرض هم که فرمودند بااین لایحه تقریباً توأم است

(جمعی از نمایندگان ـ این طور نیست)

حائری‌زاده ـ درنظرم هست که خود آقای قوام السلطنه تشریف آوردند در مجلس وآنقرض را که رویش اسم مساعده گذاشته بودند از مجلس گذراندند درهر حال یك قرض یایك مساعده بود وخوب در نظرم دارم که آقای آقاسید یعقوب هم در این جایك مراحمی فرمودند که خوب است مصارف این قرض هم معین بشود

رئیس الوزراء ـ اولا لایحه دولت بمجلس آمد وپذیرفته شد

ثانیاً ـ شماهم درآن موقع اعتراضی نکردید اگر اعتراضی داشتید خوب بود در همان موقع اظهار میفرمودید

حائری زاده ـ اجازه نفرمودند داخل در کلیات بشوم .

رئیس الوزراء ـ مسئله قرض هم هیچ ضمیمه این لایحه نبوده وهروقت بمجلس آمد البته آقایان نمایندگان عقاید خودرا اظهار خواهند فرمود

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس ـ کافی است

اغلب نمایندگان ـ بلی کافی است

رئیس ـ دستور معین نشده است ولی بودجه وزارتین داخله و خارجه هر دو حاضر است

آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس ـ عرض میکنم در جلسه قبل پیشنهادی کردم آقای ارباب هم درهمان زمینه یك پیشنهادی فرمودند و موقعی که پیشنهاد بنده مطرح بود عده کافی نبود و محول شد بامروز که رأی گرفته شود حالا اگر دستور بقیه مذاکرات روز قبل است که باید در پیشنهاد بنده مذاکره شده و اخذرأی شود واگرچنانچه مقصود شاهزاده سلیمان میرزا همین تلگرافی بود که آقای رئیس الوزراء قرائت نمودند که بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم والاپیشنهاد خودرا تأیید میکنم تارأی گرفته شود

پیشنهاد آقای شیخ الرئیس بشرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم چون در جلسه ۲۰ جدی شاهزاده سلیمان میرزا اظهار داشتند که تلگرافی در کمیسیون خارجه بود که ۱۵۰ هزار دولار برای امتیاز نفت حق معین شده و آقای رئیس الوزراء جداً تکذیب کردند

برای اینکه در خارج سوء تفاهمی نشود عین تلگراف هر جا هست بمجلس بیاورند قرائت بشود و اگر هم نیست از طرف ریاست محترم مجلس تکذیب شود

محمد هاشم میرزا

رئیس (خطاب بشیخ الرئیس) توضیح بدهید .

شیخ الرئیس ـ توضیحش داده شده است عرض می کنم اگر مراد شاهزاده سلیمان میرزا همین تلگراف بود که آقای رئیس الوزراء قرائت نمودند که دیگر عرضی ندارم ولی اگرغیر ازاین است که پیشنهاد خودرا تایید می کنم که صورت جلسه گذشته ناقص نماند

رئیس ـ جواب اگر را بنده نباید بدهم .

سلیمانمیرزا ـ اجازه می‌فرمائید بنده هم عرایضی دارم

حاج شیخ اسدالله ـ خوب است وارد دستور بشویم

رئیس ـ آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس ـ پیش نهادم را پس می گیرم .

سلیمان میرزا ـ اجازه می‌فرمائید

رئیس ـ وقتی گفته شد مذاکرات کافی است وپیشنهاد پس گرفته شد دیگر نمیشود مذاکره کرد

سلیمان میرزا ـ پس بنده کی باید توضیحات خودرا عرض کنم حالا که آقایان می‌فرمایند مذاکرات کافی است پس بنده باید در آخر جلسه توضیحات خودرا عرض کنم

رئیس ـ برای دستور وبرای بودجه‌ها پیشنهاد بفرمائید

آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - بموجب پیشنهادیکه پریروز آقای تدین فرمودند قرارشد هفتهٔ دو روز بودجه‌ها مطرح بشود ودوروزقوانین یعنی لایحه امتیاز نفط ویك روز هم برای مسائل متفرقه ولی چون راجع ببودجه ها امروز معین نشده بود که چه بودجهٔ جزو دستور خواهدبود تا درآنها دقت بشود و آقایان برای مذاکره درآن حاضر شوند وامروز هم مخبر کمیسیون مریض هستند و تشریف ندارند عقیده بنده این است که امروز راجع بمسئله نفط مذاکره کنیم و فردا راجع بمسائل بودجه مذاکره کنیم که آقای مخبرهم تشریف داشته باشند و آقایان هم‌دربودجه ها یك مطالعاتی کرده باشند .

رئیس - آقای دولت‌آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده عرضی ندارم .

رئیس - آقای سلیمان‌میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - درچه موضوع‌حرف بزنم ؟

رئیس - راجع‌بدستور

سلیمان میرزا - همانطور که پریروز گفته‌شد امروز مختص ببودجه است‌وگویا آقای رئیس هم فرمودند که بودجه وزارت داخله و خارجه حاضر است خوب است بودجه وزارت داخله مطرح بشود واینکه فرمودند مخبر نیست عوض مخبرتمام‌آقایان اعضاء کمیسیون بودجه مخصوصاً آقای سهام السلطان منشی کمیسیون دفاع‌خواهند کرد اگر مخبرکمیسیون

بودجه نیست مخبر کمسیون نفط هم نیست این بود عرایض بنده واگراجازه نمی‌دانید راجع بمسئله قبل‌حرف بزنم بهتراین‌است که اصلادیگردرمجلس حرف نزنم .

چون دریك مطلبی که راجع‌بمن‌است مذاکره می‌شود بعدهم تکذیب می کنند وفرصت نمی‌دهند که بنده توضیح بدهم‌ومی گویند مذاکرات کافی‌است درهرحال‌چون حالا آن‌موضوع مطرح نیست‌درآخرجلسه اجازه خواهم گرفت وعرایض خودرا عرض خواهم کرد درهرصورت بنده موافق‌هستم بودجه وزارت داخله مطرح شود دیگر بسته به‌نظرآقایان است .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

(اجازه)

حاج میرزامرتضی - همانطور که‌آقایان فرمودند چون بودجه وزارت داخله راهیچ کدام نمی‌دانستیم جزودستورمی‌شود تابآن مراجعه بکنیم تا همراه خودبرداریم بکلی ازنظرمان فراموش شده است و نمی‌دانیم درچه موضوع حرف بزنیم و چه می گوئیم یا شاید بنده مخالف باشم وبس ازمطالعه موافق‌بشوم البته بعدازمطالعه نظریات‌خیلی فرق می کند بنابراین‌ممکن است امروزدر لایحه نفط مذاکره کنیم‌وفردا بعوض‌امروز بودجه وزارت داخله جزء دستورباشد تاهمهٔ آقایان مطالعه بفرمایند و از روی بصیرت رأی بدهند .

کفیل وزارت‌داخله - راجع به‌بودجه وزارت داخله که آقایان مذاکره میفرمایند لازم است بنده‌عرض‌کنم که خاطرآقایان مسبوق باشد .

حالا اواخرسال‌است وازاول‌سال‌آینده یك تشکیلات جدیدی برای وزارت داخله درنظرگرفته‌ایم وباید بودجه سال آتیه را مطابق قانون استخدام تهیه کنیم هم‌ازحیث مراتب وهم ازحیث حقوق وراجع به‌بودجه امسال چون بودجه‌درحدود قانون‌اعتباری است که مجلس تصویب کرده زیادنمیشود درآن صحبت کرد وراجع به جزئیات هم اگرصحبت بشود بازدرآخر همان بودجه اعتباری تصویب میشود وبعلاوه بودجه‌وزارت داخله از حدود اعتبار مصوبه هم تجاوزنکرده است وراجع به‌جزئیات هم فقط به‌بودجه نظمیه‌ها قدری اضافه شده و اگربنابشود درجزئیات مذکره بشودوقت تنك است وطول خواهد کشیدبعلاوه‌ضرورت هم ندارد زیرا همانطور که عرض کردم از حدود اعتبار مصوبه تجاوز نکرده است وبعبارت آخری بهتراین استکه چند قلم خلاصه درمجلس مطرح بشود .

سهام‌السلطان - مذاکرات کافی است رأی بگیرید .

رئیس - رأی می گیریم باینکه بودجه وزارت داخله جزودستورباشد .

آقایانیکه تصویب‌می کنندقیام‌نمایند .

(عدهٔ قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی

(اجازه)

میرزا سیدحسن کاشانی — از بودجه عدلیه‌یك‌ماده‌بیشتر باقی نمانده‌است‌خوب‌است جزودستوربشود .

رئیس - راپورتش نرسیده است .

لایحه نفط مطرح است .

سلیمان‌میرزا - شاید بخواهند لایحه گل‌سرخ را جزودستوربگذارند باید رأی گرفته شود که لایحه نفط جزودستور باشد یانه ؟

رئیس - دوپیشنهاد بیشتر نبود یکی که رد شد دیگری جای آن است حالا اگرمی‌خواهید لایحه گل‌سرخ مطرح‌باشد باید پیشنهاد بفرمائید .

ماده چهاردهم لایحه نفط قرائت می‌شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - صاحب امتیازبدولت‌حق خواهد دادکه مجاناً در موارد احتیاج عمومی ازتلفن وتلگراف وهرقبیل وسائل ارتباط ونقلیه متعلقهٔ بصاحب امتیاز موقتاً استفاده نماید ولی این استفاده موقتی بطوری خواهد بود که اساساً مانع تعقیب کارهای صاحب امتیاز نبوده وبمنافع اولطمه نرساند

رئیس - آقای زنجانی

(اجازه)

زنجانی - بنده اجمالا عرض میکنم که بنده ورفقای بنده‌صلاح‌مملکت‌می‌دانیم که امتیازنفط بگذرد درضمن‌هم استقراض می‌شود بشود وهرکسی بمانسبت می دهد که دراین‌مسئله موافق نیستیم‌اشتباه کرده است ودرموادش کمال موافقت را داریم و آنچه راکه بنظرمان میرسد وصلاح مملکت می‌دانیم پیشنهاد می کنیم وهیچ‌نمی‌خواهیم که معطل بشود لهذا با این ماده مخالف هستم برای اینکه این‌ماده طوری است که دولت استفاده بکند وکمپانی در زحمت بیفتد زیرا در ایـن مـا د ه نوشته شده است صـاحب امتیاز بد و لت حق خواهد داد که درموارد احتیاج‌عمومی مجاناً از تلفنی و تلگراف و وسائل نقلیه متعلقه به صاحب امتیاز استفاده نماید امروز دولت میگوید که من می‌خواهم از این وسائل نقلیه یا تلفنی و تلگراف‌شمااستفاده کنم صاحب امتیاز میگوید خیراین مورد مورد احتیاج عمومی نیست آن وقت باید مشاجره کنند یاآنکه کمپانی می گوید من کار دارم در مقابل این جواب کسی می‌تواند بکمپانی‌وآدمهای‌او مدلل کند که تو کار نداری تا از آن سیم تلفن یا تلگراف ووسائل نقلیه یا راه‌آهن استفاده کند .ثانیاً در آخر ماده قید شده ولی این استفاده بطورموقتی خواهد بود که اساساً مانع تعقیب کارهای صاحب امتیاز نبوده و بمنافع او لطمه نرساند

آن وقت اگر ما خواستیم در یـك موقعی استفاده کنیم میگوید آقا بمنافع من‌لطمه میرسد حالا کی باید ثابت کند که بمنافع او لطمه نمیرسد؟

پس‌یاگفته او پیش میرود و دولت استفاده‌نمی کند یادولت استفـاده می کندو باو ضرر میرسد پس این یك‌عبارت‌مجملی است که هرروز باعث مشاجره خواهد بود وباید هر روز حکمیت کنند و به‌بینندآیا به منافع او لطمه میرسد یانه؟

پس‌این ماده به‌عقیده بنده‌خوب‌نیست واگر قیدبکنند کـه‌روزی‌چندساعت‌دولت حق استفاده داشته باشد خیلی بهتر است وآن ساعت را یادولت معین کند یا کمپانی یا طرفین که ازفلان ساعت تا فلان‌ساعت دولت حق استفاده داشته باشد آن‌وقت‌نه کمپانی میتواند مانع بشود و بگوید مورد احتیاج عمومی نیست ونه باعث مشاجره میشود و دولت هم یك حق معینی خواهد داشت اگر لازم دارد که استفاده می کند اگر ندارد که‌نمی کندباین جهت بنده‌پیش نهاد کردم که‌معین کنند روزی دوساعت از تلفنی و تلگراف ووسائل نقلیه و هر چه هست‌دولت حق استفاده داشته‌باشدوقرارش راهم بدهند که‌درچه ساعت باشد یا مثلا در تابستان چه وقت باشد ودر زمستان چه وقت باشد تا دیگر اختلافاتی واقع نشود پیشنهادی هم درهمین زمینه کرده‌ام که تقدیم میکنم :

رئیس‌الوزراء — توضیحی عرض کنم که هیچ گفتگوی‌اینکه‌بعضی‌اشخاص‌مخالف یا موافق هستند نبوده بنده اگرچیزی‌به آقایان گفته‌ام این‌بوده است که من‌مقتضی میدانم دراین امر تسریع وتأخیر را جائز نمی‌دانم ونگفتم که آقایان مخالف‌هستند یا موافق البته‌غالب آقایان‌در جلسات عدیده اظهار موافقت کرده‌اند و امید وارم درآتیه هم موافقت بفرمایند اما اینکه آقایان می‌فرمایند که درجلسات قبل بنده گفته‌ام که لایحه نفط بکمسیون برود و دقت بشود واگر اشتباهی دارد رفع‌بشود تازودتر از مجلس بگذرد

بنده این را هم تکذیب میکنم واما راجع باین ماده که آقای زنجانی‌اظهاراتی فرمودند گمان میکنم این ماده خیلی‌خوب نوشته شده است

اولا بموجب‌این‌ماده همه‌وقت‌مأمورین دولت میتوانند تقاضای استفاده از وسائل نقلیه وارتباطیه کمپانی نمایند ودرماده هم مصرح است واشکالی ندارد نوشته شده صاحب امتیاز بدولت حق خواهد داد که مجاناً درموارد احتیاج عموعی از تلفن و تگلراف وهرقبیل وسائل ارتباطیه ونقلیه متعلقه بصاحب امتیاز موقتاً استفاده نماید ولی این استفاده موقتی بطوری‌خواهدبود که اساساً مانع‌تعقیب کارهای صاحب‌امتیاز نبوده وبمنافع اولطمه نرساند) واگر این قید آخر را نمی گذاشتند ممکن‌بود بقدری‌مدت‌استفاده طولانی بشود که‌دیگر خود کمپانی‌نتواندازوسائل نقلیه اش‌استفاده نماید .

امااینکه میفرمایند روزی دو ساعت معین شود شاید یك موقعی پیش‌بیایدکه دولت‌احتیاج داشته‌باشد روزی چهارساعت یا بیشتر استفاده کند پس تشخیص ساعت درامتیاز متتضی نیست و این مسائل بسته بقراردادی است که درموقع لزوم بین مأمورین دولت و کمپانی بسته خواهد شد .

رئیس‌آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی -بنده‌عرضی‌ندارم

رئیس-آقای دست‌غیب

(اجازه)

دست‌غیب-اشکالی که آقای زنجانی فرمودند درست بود ولی اینکه پیش‌نهاد فرمودند روزی دوساعت باشد بنده مخالفم واشکال بنده این است که در ماده نوشته شده دولت میتواندردرمواقع لازمه ازوسائل

نقلیه وارتباطیه کمپانی استفاده نمایدبشرط اینکه کمپانی کاری نداشته‌باشد ازاین‌عبارت هیچو معلوم میشود که دولت وقتی میتواند استفاده کند که لطمه بمنافع کمپانی نرساند اگردولت کارلازمی داشته باشد وبخواهد از تلفن یاتلگراف یاسایر وسائل کمپانی استفاده کند ومیگوید که من کارلازمی‌دارم حالا میزاین کار کیست؟

اشکال بنده‌این‌است که‌آیا ممیزوناظر خودکمپانی خواهد بود یا دیگری ؟ زیرا بطوری اختیارات بکمپانی داده شده که ممیز ومهندس و همه‌چیز از خودش است ممکن‌است موقعی که دولت بخواهداستفاده کند کمپانی بگوید من کار اساسی دارم فرض کنیم دروغ هم گفته باشد آن کسی که ممیز باشد ومنفعت دولت و کمپانی‌رادر نظر داشته‌باشد کی خواهد بود؟ اگرخود کمپانی باشد که البته بنفع خودش تمام میشود واگر ازطرف‌دولت باشد که‌بگوید کمپانی کار نداردودروغ‌میگویدوبایدالان بدولت استفاده بدهد که من موافقم این است که دراین زمینه یك‌پیشنهادی کرده‌ام تقدیم میکنم

سهام‌السلطان- اگرآقای دست‌غیب درست‌ماده دقت بفرمایند خواهند دید که در ماده نوشته شده صاحب امتیاز بدولت حق می‌دهد که مجاناً از وسائل نقلیه و ارتباطیه در موارد احتیاج عمومی استفاده کند وقتی که این حق داده شده دولت بموجب این حق میتواند تمام وقت‌را هم تصرف کندواستفاده نماید واین‌قسمت‌اخیری که درماده نوشته‌شده برای این‌است که‌تا یك اندازه هم حق دولت رامحدود کرده باشد وطوری‌باشد که لطمه بکارهای‌صاحب امتیاز نرسد

دست‌غیب- ممیزش کی باشد ؟

سهام‌السلطان - دیگر ممیز لازم ندارد .

رئیس-آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا- بنده‌عرضی‌ندارم

رئیس- آقای شیخ‌الاسلام‌اصفهانی

(اجازه)

شیخ‌الاسلام- بنده هم در این ماده عرضی‌ندارم

رئیس- آقای حائری‌زاده

(اجازه)

حائری‌زاده-بنده هم عرضی ندارم

(جمعی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است)

رئیس -کافی‌است ؟

(گفته شد کافی است)

رئیس- پیشنهادات‌قرائت میشود

(چهارفقره پیشنهادآقایان‌زنجانی‌ودست‌غیب و کازرونی و حـاج سید المحققین بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

بنده‌پیشنهادمیکنم‌ماده چهاردهم قـانون امتیـاز نفط چنین‌نوشته شود:

دولت ایران حق خواهد داشت هر- روز دوساعت از تلفن و تلگراف وهرقبیل وسائل ارتباطیه و نقلیه متعلقه بصاحب امتیاز استفاده‌نماید و تعیین این دو ساعت باقرار مخصوص خواهدبود که‌موجب‌تعویق زیاد درکار صاحب‌امتیازنباشد

(ابراهیم زنجانی)

پیشنهاد میکنم در آخرماده‌چهارده نوشته شود بانظارت خوددولت .

(دست غیب)

بنده پیشنهاد می کنم: که بجای کلمه موقتی بعداز کلمه استفاده مجانی نوشته‌شود

(کازرونی)

بنده پیشنهاد می کنم اول مـاده چهـارده به ترتیب ذیل نوشته شود:

دولت حق دارد که مجاناً از موارد الی آخر و فقطلفظ عمومی بعد از لفظ احتیاج حذف شود .

(سید المحققین)

رئیس-ارسال میشودبکمیسیون .ماده پانزدهم‌مطرح‌است .

(بشرح آتی‌قرائت شد)

ماده ۱۵-درموقع انقضای‌مدت‌امتیاز کلیه ملزومات و ابنیه و اثاثیه و ماشین - آلات وهرگونه دارائی دیگرصاحب‌امتیاز و اراضی که در تصرف یا مواد استفـاده اواست بدولت تعلق خواهد گرفت‌وصاحب امتیاز از آن بابت حق‌مطالبه‌عوض‌نخواهد داشت .

ولی درصورتیکه صاحب‌امتیازعملیات راجعه بامتیـاز رادرظرف ۱۲سال اول از تاریخ امتیازترك نماید(ودرآن‌صورت‌امتیاز باطل وازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود) صاحب امتیازکلیهٔ حقوق ارضی و اموال غیرمنقول خود را به‌دولت واگذار نموده و فقط حق خواهد داشت بعضی یا تمامی ملزومات و اثاثیه و ماشین آلات و کلیه اموال منقوله دیگری را که به‌مملکت‌ایران برای اجرای عملیات‌این‌امتیاز وارد کرده است ازحدود مملکت ایران خارج نماید چه آنها را نصب و در ابنیه استعمال کرده یانکرده باشد صاحب امتیاز حق دارد اشیاء مزبور را باکشتی بخارجه‌حمل‌نماید بدون آنکه دولت ممانعت‌یاهرقبیل‌مالیات وگمرك‌ازآنهامطالبه کند .

رئیس - آقای‌میرزاعلی

(اجازه)

آقامیرزا علی‌کازرونی - ازاین ماده همچو فهمیده‌می‌شود اگر۱۲سال از مدت امتیازگذشت وکمپانی تعقیب نکرد این امتیاز باطل خواهد بود درجای دیگر می گوید صاحب امتیاز باید بعداز سه‌سال یك کارهائی بکندوبعداز۶ سال کارهای‌دیگری بکند بنده‌عرض می کنم اگر الغای ایـن امتیاز بموجب ماده دوازدهم است‌پس در موادقبل وبعدارا ملزم کردن که‌در۲سال وشش‌سال یك‌کار هائی بکند معنی‌نخواهد داشت چون‌مطابق مواد سابق درصورتی که محرز گردد که صاحب امتیاز از مدلول ماده۸ وسراین قانون تخلف کرد یا درصورتیکه ازاجرای سایر تعهداتی که دراین قانون مقرراست تخلف ورزد این امتیاز لغواست وازجهت مقررات واقداماتی که کمپانی بایدبکند یکی بعدازشش ماه است ویکی بعداز ۳سال ویکی بعداز ۶سال ولی در این ماده بطور قطع می گوید پس از دوازده سال اگر تعقیب نکرد امتیاز ملغی است بنده دراین مواد یك‌نوع معارضهٔ می بینم اگرصاحب امتیاز ازمدلول ماده۸ تخلف کند یعنی چه ؟ و تکالیفی که‌در سایر موادمعین کرده اند یعنی‌چه ؟ اگر چه بنده بااصل این قانون وامتیازمخالف هستم‌وبه‌مخالفت‌خودم هم‌باقی هستم‌بنابراین نبایستی‌درسایر مواد اظهار مجالفت بکنم لکن چون مخالفت بنده بامخالفت سایر آقایان مخالفین فرقی ندارد و ممکن است پذیرفته شود از این جهت بنده در بعضی مواد اگر نظریـه داشته باشیم عرض میکنم شاید اصلاح بشود .

سهام‌السلطان- اینکه آقای‌کازرونی راجع به۱۲ سال فرمودند با سایر مواد ضدیت دارد اگر بموادقبل مراجعه‌فرموده ودرست دقت میکردند رفع اشکال‌شان می‌شد چون برای‌هریك از عملیات کمپانی یك‌مدتی معین شده‌است چنانچه تاشش‌ماه مهندسین‌آن باید بایران بیایندودر ظرف ۳سال باید نقشه برداری کنند و بعداز۳ سال باید ۳چاه حفر کنند و بعد حفرچاه هارا امتداد بدهند این۱۲ سالی که این جانوشته شده است برای این است که ممکن‌است بعد از اینکه کمپانی عملیات ابتدائی را مطابق موادقبل انجام‌داد وپس ازمدتی چاههائی‌حفر کردودرآن‌چاهها کار هم کرد بعدحس کرد که باندازهٔ کافی‌نفط برای تجارت نیست آن‌وقت البته تصدیق خواهید فرمود وقتی که نفط بقدر کفایت یافت‌نشود صاحب امتیازآنرا تعقیب‌نمیکند بااینکه مبالغی هم‌خرجکرده ونقشه‌برداری نموده چاه حفرنموده وبعضی‌عملیات‌دیگری کرده معهذا چون‌نفط بمقدار کافی نبوده است‌مجبورشده‌است که‌این‌امتیازراواگذار کندودر این‌صورت آن چیزهائی که غیر منقول است بدولت واگذار میکند ولـی ماشین‌آلات واشیاءمنقوله راحق داردخارج کند برای‌اینکه یك‌مبالغی‌زیادی‌خرج کرده وآن استفاده هم که باید بکندننموده‌است ومدت۱۲ سالهم‌کافی‌است واشکالی دراین ماده‌نیست .

رئیس - آقای‌دست‌غیب(اجازه)

دست‌غیب-عرضی ندارم

رئیس - آقای‌سلیمان‌میرزا

(اجازه)

سلیمان‌میرزا - همانطور که ملاحظه می‌فرمائید تعهداتی که صاحب امتیاز در عرض۱۲ سال بعهده گرفته‌است اگر بعضی‌هارانکند یاخودش نخواهد امتیاز را پس بدهد دراین‌صورت بایدهمانطوری که درموقع انقضای مدت امتیاز کلیه‌ملزومات وابنیه‌واثاثیه وماشین‌آلات وهرگونه‌دارائی دیگر صاحب امتیاز واراضی که‌درتصرف یامورد استفاده است بدولت تعلق خواهد گرفت وصاحب امتیـاز ازآن بابت حـق مطالبه عوض‌نخواهد داشت وبنده اشکالـی نمی‌بینم کـه‌در این‌موقع هم بعداز ۱۲ سال همین‌طور باشدوتمام اثاثیه و اشیاء و اراضی هرچه‌هست بدولت بدهد ولی‌اینکه نوشته‌شده درصورتیکه‌صاحب امتیازعملیات راجعه بامتیازرادرظرف ۱۲ سال اول از تاریخ امتیاز ترك‌نماید در آنصورت‌امتیاز باطل واز درجه اعتبار ساقط خواهد بود بسیارخوب امابعد چه‌اثری پیدا می‌شود ؟ مطابق این ماده هیچ فقط صاحب امتیاز کلیه حقوقی که‌در اراضی دارد و اموال غیر منقول خودرا بدولت واگذارنماید و حق‌خواهد داشت تمام ملزومات و اثاثیه وماشین آلات وکلیه اموال منقوله راکه درمملکت ایران‌برای اجرای عملیات این امتیازوارد کرده است از مملکت ایران خارج‌نمایدچه آنهارانصب ودرابنیه استعمال کرده باشد چه نکرده باشد وصاحب‌امتیاز حق دارد اشیاء مزبوررا باکشتی بخارجه حمل‌نماید بدون اینکه دولت مخالفت نموده یا مالیات وگمرك از آنها مطالبه کند در اینموقع دولت که سبب نشده است صاحب امتیازاین امتیاز را پس بدهد خود صاحب امتیاز می‌بیند مصلحتش باطل کردن امتیاز است وآن عملیاتی راکه باید انجام بدهد نمی‌دهد پس خود اوسبب باطل کردن این امتیازشده است حالا ببینیم در این دوازده سال که این شخص معادن نفط مملکت مارا که اینقدراهمیت‌دارد معطل کرده بعدبدون استفاده ترك‌میکند ومیرود چه استفاده در مقابل دوازده سال معطل کردن منابع ثروت ما بما می‌دهد ؟ بعقیده بنده هیچ چیز زیرا چیزی‌را که‌بماواگذارخواهد کرد حقی‌است که درآن اراضی داریم ومال‌خودمان بوده بعداز دوازده سال باز بمابر گردانده اگر اینطور است و اراضی که اینجا خریده بما واگذار می کندآن اراضی که برای کندن چاه خریده چیز نا قابلی است قسمت عمده مسئله ماشین‌آلات‌وادواتی است که درآنجا احداث کرده است اگربناشود تمام اسبابها را خواه نصب کرده باشد و خواه نصب نکرده باشد وشایدلوله‌هائی راهم که توی

چاهها گذاشته است خراب کند وبردارد ببرد و یك زمینی بدست ما بدهد که اگر خودمان دومرتبه بخواهیم شروع باستخراج نفت کنیم تازه مثل جائی میماند که خراب شده وتازه باید خرابه‌هایش را درست کنیم وبدتراز زمین صاف وساده‌ایست که بخواهند درآن بنائی کنند اینکه چندان منتی ندارد پس عوض اینکه بشما مساعدت کند تولیدیك زحمتی کرده وبعضی چاههارا حفر کرده و تمام امورات رامغشوش ودرهم وبرهم کرده و دوازده سال هم وقت مارا تلف کرده بدتراز همه وقتی که بخواهد اثاثیه‌اش راببرد ماهیچ گمرك ومالیات هم ازاونگیریم و همینطور مجاناً وبلاعوض بردارد وببرد کمان میکنم این ماده کاملا برضرر ماست وبصرفه کمپانی . بعقیده بنده بایدبعد از دوازده سال که می خواهد اسبابهایش رابببرد مثل موعد انقضاء امتیاز تمام اشیائیرا که دارد بدولت ایران واگذار کند زیرا تقصیر ازطرف اواست و اشکالی نکرده‌ایم ووقتی این مسئله راتطبیق کنیم باآن موضوعی که بنده همیشه تطبیق میکنیم یعنی با قرارداد چك اسلوك میبینم درآنجا دربدو شروع پنجاه ملیون کرون باید بدهد بعد درهریك از کمپانیهائی که تشکیل بدهد بایدصدی سی مجاناً بدولت بدهد واگرسرمایه خودرا زیاد کرد بازبهمان نسبت بدولت چك اسلوك مجاناً وبلا عوض سهمی بدهد وبعدازاینکه تمام این پولها را داد اگرفسخ کرد حقی نخواهد داشت در فصل بیست ودوم قرارداد چك اسلوك در لغو کردن امتیاز مینویسد ؛ چنانکه کمپانی پس ازصرف که درفصل دهم ذکر شده از تعقیب عملیات خودصرف نظر کند بایدقبلا بدولت مسئله را کتباً اطلاع دهد پس ازآن چنانچه باین ترتیب قرارداد منحل بشوددولت حق خرید سهام کمپانی را موافق شرایطی که درفصل سابق ذکرشده خواهدداشت)

عرض کردم تقریباً شبیه بلواست وقتی کمپانی نخواست تعقیب کند تمام آن چیزهائی را که داده‌است واگذارمیکند ومیرود وآن صدی سی مجانی راهم پس گیرد فقط حقی که دارد آن صدبیست ودوئی که اهالی چك اسلوك ازسهام خریده اند دولت خودش می خرد واداره می کند پس همانطور که عرض کردم پس ازآنکه این امتیاز ازطرف خود کمپانی ملغی شد باید مثل انجام مدت امتیار باشد ومثل این باشد که پنجاه سال مدت اوتمام شده‌است وباید تمام اشیاء وماشین آلات وادواتی که برای اینکار آورده‌است مجاناً بدولت واگذار کند وحق ندارد ببرد .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اولا خواستم خاطر آقایانی راکه راجع بمسئله دوازده سال مذاکره می کنند بیك مسئله علمی متوجه سازم هرمادهٔ برای یك مقصدی ریخته میشود اصل نظر این ماده به دوازده سال وهشت سال نیست و مقصودش این نیست که این امتیاز ملغی بشود . اصل اینماده برای این است که اثاثیه کمپانی بعداز آنکه زمانش منقضی شد بدولت ایران منتقل شود واینکه آقای کازرونی فرمودند اینماده مخالفت دارد بامادهٔ هشت وسه این ماده برای این ریخته نشده است که مابیائیم ومطابقه بکنیم وبعدبگوئیم با هم متناقض است . این ماده برای این ریخته شده است که بعد از آنکه کمپانی کارهائی کرد ومدتش منقضی شد تمام اثاثیه خود را بدولت ایران واگذار کند اما آن مسئله که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که اثاثیه واسبابی را که آورده است و درعمارات نصب کرده اگر بخواهد ببرد بناها خراب می‌شود بنده عرض مکنم البته ما باید توجه بکنیم که هرقدری می‌توانیم منافع خودمان را محفوظ بداریم ولی کمپانی که از آمریکا حرکت کرده ویك سرمایه واسبابی اینجا آورده است اگر یك طوری بشود که بتواند تعقیب کند وامتیازش لغو بشود عاشق ما نیستکه هرچه دارد بما ببخشد وهیچ چیزش را نبرد درست است که باید پا فشاری کنیم که حقوق خود را حفظ کنیم واستفاده ببریم اما نمیشود گفت تمام ماشین آلات واسبابهائی را که آورده است بما واگذار کند چون ما دولت ایران هستیم؟!!

ما همچو حرفی نمیتوانیم بزنیم آن ضررهائیکه کرده برای او بس است و از گمرك هم درازای مخارجی که متحمل شده باید معاف باشد

رئیس - اگر صلاح است بقیه مذاکرات بماند برای بعد ازتنفس

(دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس ازنیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای زنجانی

(اجازه)

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - بنده در این ماده دقت کرده ام واورا خیلی ناقص می‌دانم بجهت اینکه یك تواقصی دارد البته بعد ازاتمام امتیازیا در ظرف دوازده سال . اگراین شخص کار کرد ودید نفعی ندارد و چیزی عایدش نخواهدشد مسلماً ترك تعقیب میکند ونمیتوان گفت که خیر تو باید حتماً تعقیب کنی عرض کردم وقتی نفعی عایدش نشد ترك تعقیب خواهد کرد ومدت دوازده سال هم کافی است وزیاد نیست که ببینند آیا نفعی دارد که کار کند واگر ندارد که رها کند برود و درظرف این دوازده سال هم حق دارد تقاضای الغای این امتیاز را بنماید

ولی اینکه دراین ماده نوشته شده است ترك تعاقب کند بعقیده بنده مبهم ومضر است ومن معنایش را نمی‌فهمم کسانیکه می‌دانند باید بمن بفهمانند که مدت ترك تعاقب چقدر است؟ آیا یکسال است دوسال است شش ماه است آیا خودش بگوید من ترك تعاقب کرده ام ؟ ،

ابداً معلوم نیستکه مدت ترك تعاقب چقدر است ؟ .

آیا همین دوازده سال است یا کمتر؟ وآیا ما باید صبر کنیم تا آخر دوازده سال یا اگر یس ازهفتسال هم ترك تعاقب کرد قبول است ؟ .

بعقیده بنده این ماده کنك است و چیزی مفهوم نمی شود بعلاوه در ذیل این ماده نوشته‌شده پس ازانقضای مدت امتیاز آنچه دارد از قبل ماشین و اراضی وغیره متعلق بدولت است اما اگر در بین این دوازده‌سال امتیازیا تراضی طرفین الغا شد آن وقت آیا دارائی او بدولت میرسد یا مال خود صاحب امتیاز است اینهم هیچ ذکر نشده است

خیلی کارها اتفاق می‌افتد که امتیاز الغاء میشود . ممکن است با تراضی طرفین الغا بشود ممکن است بعضی شرایط اجرا نشود الغا بشود یا تقصیرات دیگری واقع بشود یا ما کاری بکنیم که الغا بشود آن وقت تکلیف چه چیزاست !

آیا ماشین آلات واسبابها بدولت می رسد یا همان کمپانی میبرد ؟ اگر درست دقت بفرمائید چندان منتی هم برما نیست که اثاثیه غیرمنقول خودش را وقت رفتن بما واگذار کند زیرا وجهش را با صدهفت فرع برداشت میکند بجهت اینکه قرارداده شده که هرچه ماشین آلات وارد میکند ازقرار منافع صدی هفت برداشت نماید و اگر مثلا امسال نشد از سال آینده بردارد ومن تعجب میکنم که نوشته‌اند علاوه برآن صدهفت بازهم حق ببرد البته وقتی که منافعش را برده حالا متعلق بدولت میشود و منتی ندارد اما اینکه فرمودند درظرف دوازده‌سال زمین هائی را که خرابکرده وچه کرده بدولت واگذار کند بنده خریدن را ابداً صحیح نمی‌دانم واگر بنای خریدن هم هست باید دولت خودش بخرد وباو اجاره بدهد وبعد ازانقضای مدت امتیازمال خود دولت باشد ولی درمدت دوازده سال می فرمایند زمین را معطل کرده‌است عرض کردم وقتی اجاره بکند نمیشود گفت که توچرا زمین را معطل گذاشتهٔ او اجاره کرده وهروقت خواست برود واگذارمیکند وبعلاوه درظرف ۱۲ سال هم من حق می‌دهم که آلات وادوات وماشینهای خود را بردارد ببرد یا بفروشد مال خودش است چون درظرف دوازده‌سال خرجکرده است وحالا می بیند فایده نمی‌برد ومیخواهد برود آنوقت نباید ماشین آلات اورا گرفت البته مال اواست ونمیشود گرفت میخواهد بفروشد میخواهد ببرد اما بعد ازآنکه دوازده سال گذشت وبواسطه یك وقایعی این امتیازملغی شد دیگراین ماده ساکت است و چیزی تعیین نکرده است مثلا اگر بعد ازبیست سال امتیازملغی شد آیا این اشیاء و ماشین آلات بدولت تعلق میگیرد یانه ؟ و اینکه در این ماده نوشته شده‌در موقع انقضای مدت این امتیاز تمام دارائی که دارد متعلق بدولت است این غلط است شاید توی جیبش هم پول باشد آنهم متعلق بدولت است ؟ اینکه صحیح نیست و باید ذکر بشود راهی را که ساخته است و تلفن وتلگراف و انبار و هرچه که احداث کرده است متعلق بدولت ایران باشد و این ماده‌را بنده اصلاح کرده‌و تمام این مراتب راهم قید کرده ام و تقدیم آقای رئیس می کنم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده بطوراختصار خلاصه و مفاد ماده راعرض خواهم کرد این ماده میگوید پس از انقضای مدت امتیاز تمام آنچه که کمپانی در اینجا ماشین آلات واثاثیه وارد کرده است متعلق بدولت است البته همان قسمی که آقای زنجانی فرمودند در ضمن کمپانی هم مجانی واگذار نکرده بلکه وجوه آنها استهلاکاً تأدیه شده است ولی اگر درظرف ۱۲ سال کمپانی شروع بیك عملیاتی کرد و چندین چاه بتدریج حفر کرد ومبلغی هم مخارج ورود ماشین آلات و غیره نمود و دید نفعی ندارد رها کرد دیگر ما نمی توانیم باو بگوئیم تمام اثاثیه وماشین آلات وهرچه داری بما بده حالا آقایان می فرمایند باید قطع نظر از همه مخارجی که نموده بکند و همه دارائی خودش را بدولت انتقال بدهد البته اگر یك چیزی هم رستی بدهد بهتر است اما افسوس که نمی دهد فلان کمپانی آمده است ودرظرف هفت هشت سال چند ملیون خرج کرده ماشین آلات وارد کرده چندین چاه حفر کرده بعد از این همه مخارج دیگر دید چیزی عایدش نمی شود و منافعی ندارد دست کشید حالا نباید تمام اموال خودش راهم بدهد وبرود؟ خیلی خوب است اما افسوس که نمی دهد حالا چرا نمی دانم البته آقایان بهتر می دانند . این است که دراینجا این ماده به کمپانی حق میدهد که درظرف این مدت دوازده‌سال اگر عملیاتی کرد ویك چاههائی حفر نمود و مخارجی هم کرد بعد دید نتیجه ندارد آن مخارجی که کرده از کیسه او رفته دیگر حقی هم نداشته باشد و اراضی که برای عملیات خود خریداری کرده بدولت واگذار کند ولی آنچه که منقول است از قبیل ماشین آلات وغیره ببرد از گمرك هم معاف باشد چون نفعی نبرده است کلیه مقصود ماده این بود که عرض کردم و اگر غیراز این باشد وبه کمپانی تحمیلاتی بشود بنده ابداً عملی نمی دانم و کمپانی هم زیر این بار نمی رود که تمام اثاثیه خودش راواگذار کند وبعقیده بنده این ماده خیلی روشن است وتصور نمی کردم اینقدر دراین ماده صحبت بشود

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

(جمعی گفتند کافی است)

شیخ الاسلام اصفهانی - اشکالاتی است که هنوز مرتفع نشده کافی نیست.

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام نمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است

پیشنهادات قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

۱- پیش نهاد می کنم اسبابی که نصب شده واگذار بدولت خواهد نمود .

(مدرس)

۲- بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ذیل در آخر ماده ۱۵ اضافه شود: مگر اینکه دولت حاضر شود که آن اشیاء منقوله را به قیمت عادله خریداری نماید که درآنصورت کمپانی مجبور است بفروشد .

(محمد دانش)

۳- مقام منیع ریاست مجلس

بنده پیشنهاد می کنم ماده پانزده چنین اصلاح شود:

ماده ۱۵ - در موقع انقضای مدت امتیاز کلیه ملزومات و ابنیه و اثاثیه و ماشین‌آلات وهرگونه دارائی دیگر صاحب امتیاز و اراضی که در تصرف یا مورد استفاده اواست بدولت تعلق خواهد گرفت وصاحب امتیاز از آن بابت حق مطالبه عوض نخواهد داشت و هم چنین درصورتیکه صاحب امتیاز عملیات راجعه بامتیاز رادرظرف دوازده سال اول از تاریخ امتیاز ترك نماید (و در آن صورت امتیاز باطل و ازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود) صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول و منقول خودرا بدولت واگذار می‌نماید

(سلیمان محسن)

۴- مقام ریاست جلیله مجلس شورای ملی دامت شوکته .

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۵ بشکل ذیل نوشته شود .

ماده ۱۵ - در موقع انقضای مدت امتیاز کلیه ملزومات و ابنیه و اثاثیه وماشین آلات و هرگونه دارائی دیگر صاحب امتیاز و اراضی که درتصرف یا مورد استفاده اواست باتمام اسناد مربوطه بآنها بدولت تعلق خواهد گرفت و صاحب امتیاز ازآن بابت حق مطالبه عوض نخواهد داشت ولی درصورتیکه صاحب امتیاز عملیات راجعه بامتیاز را درظرف دوازده سال اول از تاریخ امتیاز ترك نماید) ودر آن صورت امتیاز باطل واز درجه اعتبار ساقط خواهد بود) صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود راباتمام اسناد مربوط به آنها واگذار نموده و فقط حق خواهد داشت بعضی یاتمامی ملزومات و اثاثیه و ماشین‌آلات و کلیه اموال منقوله دیگری را که بمملکت ایران برای اجرای عملیات این امتیاز وارد کرده است بغیر ازآنچه که از آنها نصب ودرابنیه استعمال کرده از حدود مملکت ایران خارج نماید وصاحب امتیاز حق دارد اشتیاء مزبور راباکشتی بخارجه حمل نماید

بدون آنکه دولت مخالفت باهر قبیل مالیات وگمرك ازآنها مطالبه کند .

(فیوضات)

۵ - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۵ قانون امتیاز نفط چنین نوشته شود؛

هرگاه صاحب امتیاز درظرف ۱۲ سال اول از تاریخ تصویب این امتیاز تعقیب عملیات امتیاز راترك کند یا باختیار خود تقاضای الغای امتیاز نماید امتیاز ملغی شده صاحب امتیاز تمام اموال منقوله و اثاثیه و آلات کاررا ازهرقبیل خواه نصب واستعمال کرده یانه حق دارد به‌فروشد یااز ایران بدون دادن گمرك خارج نماید وحقی در اراضی نخواهد داشت واگر بعدازانقضای ۱۲ سال مدت امتیاز بسر نیامد ترك عملیات کند یا تقاضای الغای امتیاز نماید یابه جهتی از جانب او امتیاز فسخ وملغی شود یا مدت امتیاز بسرآید در این صورت تمام اثاثیه و اموال منقوله وآلات کارومأشین آلات وغیر آنها ازهرچه که برای عملیات این امتیاز در ایران دارد وتمام خطوط از قبیل تلگراف وتلفون وسیم‌های نقاله و راه آهن وشوسه وتمام لوله ها . ابنیه وانبارهائیکه احداث کرده‌و کلیه اراضی که در تصرف داشته بلاعوض و مجاناً بدولت تعلق خواهد گرفت

(ابراهیم زنجانی)

۶ - پیشنهاد مینماید درسطر ۳ ماده ۱۵ نوشته شود هرگونه دارائی دیگر شرکت صاحب امتیاز واقعه در ایران یادر خارجه —

همچنین تبصره ذیل درآخر ماده افزوده شود : شرکت صاحب امتیاز حق نخواهد داشت که در ده‌سال اخیر مدت امتیاز از اثاثیه و اموال منقول یاغیر منقول خود به دیگری انتقال بدهد

(محمد علی مافی)

۷ - بنده پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۱۵ این قسم نوشته شود و در این صورت امتیاز باطل واز درجه اعتبار ساقط خواهد بود صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول و منقول راجع بکشف و استخراج نفط را بدولت واگذار وبهیچ وجه حق فروش یا اخراج آنهارا ازخاك ایران ندارد .

(حاج میرزا مرتضی)

۸ - بنده پیشنهاد میکنم عوض جمله دارائی دیگر صاحب امتیاز نوشته شود دارائی موجوده راجع باین امتیاز در ایران

(شیخ الاسلام اصفهانی)

۹ - بنده پیشنهاد میکنم کلیه یاتمامی ازماده حذف شود

(سیدفاضل کاشانی

۱۰ - بنده پیشنهاد میکنم فقره ذیل علاوه برماده ۱۵ شود

آنچه آلات و ادوات مال کمپانی در اراضی مختصه بکمپانی موجوداست در موقع الغاء امتیاز اگر کمپانی استفاده از نفط ایران کرده باشد ولوازیك چاه تمام آن آلات وادوات متعلق بدولت ایران باشد واگر استفاده حین الغاء ازنفط نموده تمام آلات مال خود کمپانی است

(امین الشریعه)

۱۱ - بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ذیل بجای قسمت دوم ماده ۱۵ اینطور نوشته شود ؛

ولی در صورتیکه صاحب امتیاز عملیات راجعه بامتیاز را درظرف ۱۲ سال اول از ریخ امتیاز ترك نماید (ودر این صورت امتیاز ملغی خواهدبود) حقوق و اموال صاحب امتیاز مثل بعداز انقضاء مدت امتیاز مجاناً بدولت تعلق خواهد گرفت

(مساوات)

۱۲ - بنده پیشنهاد میکنم که درماده ۱۵ در موضوع ۱۲ سال نوشته شود که تمام اشیاء خودرا در صورتیکه دولت ایران یا کمپانی ایرانی خریداری نکند مختار خواهدبود که حمل بخارجه نماید

(علی محمددولت آبادی)

۱۳ - بنده پیشنهاد میکنم راجع به ماده ۱۵ اینطور اصلاح شود :

که کمپانی اشیاء منصوبه را بدولت مجاناً واگذار کند واشیاء منقوله غیرمنصوبه را در صورتیکه دولت ایران لازم داشته باشد بقیمت عادله بفروشد

(ابراهیم قمی)

رئیس - پیشنهادات ارسال میشود بکمیسیون چون ظهر گذشته است جلسه ختم میشود

جلسه آتیه روز ۳ شنبه سه‌ساعت وربع قبل ازظهر موضوع مذاکرات بودجه وزارت داخله

آقای حائری زاده .

(اجازه)

حائری زاده - راجع بمحاسبات سر شماری ازطرف بعضی از آقایان طرح قانونی پیشنهاد شد که دراین چیزی راکه درهیچ جای دنیا برقرار نیست ودرمملکت ما به‌عنوان بربریت میگیرند لغو کنند به کمیسیون مبتکرات رجوع شد و شنیدم که کمیسیون برخلاف راپورت داده‌خوب است در جلسه آتیه مطرح بشود تابلکه انشاءالله موفق شویم این بدعت شومی را که ازقدیم گذاشته‌اند برطرف کنیم

رئیس - آقای محمدولی میرزا

(اجازه)

محمد ولی میرزا - چون آقای رئیس الوزراء تشریف دارند بنده خواستم تذکری بدهم راجع به ارومیه مادرمجلس رأی داده شد که لایحه برگردد تا رئیس کل مالیه مطالعاتی بکند چندین مرتبه نمایندگان آذربایجان باآقای وزیر مالیه مذاکره کرده بودند و قرار شد که کمسیونی در دربار تشکیل بدهندوبرئیس کل مالیه توضیحاتی داده‌شود تاکنون موقع انعقاد این کمسیون را معین ننموده‌اند وهمین طور به تعلل ومسامحه میگذرد در صورتیکه یك عده از این بیچاره ها در مجلس متحصن هستند وبلاتکلیف مانده‌اند ازخارج هم هرروز تلگرافات میشود و شکایت می کنند استدعا میکنم آقای رئیس الوزراء اقدامی بفرمایند که این مسئله مهم زودتر بگذرد وبرئیس کل مالیه توضیحاتی داده شود ونظریات مشارالیه بعرض رسد تا هر تصمیمی اتخاذ میشود زودتر بموقع اجرا گذاشته شود .

رئیس الوزراء - بنده تعجب میکنم از اینکه می گویند کمسیون هنوز تشکیل نشده مکرر به آقای وزیر مالیه تأکید کرده‌ام که کمسیون را منعقد نمایند چون عضویت چندنفر از مطلعین هم لازم بود چندنفر هم از مطلعین دعوت شده‌اند واز قراری که وزیر مالیه میگفت گویا کمسیون هم تشکیل شده باشد و اگر هم نشده باشد تأکید میکنم زودتر تشکیل شود و صورت میکنم بایستی در وزارت مالیه هم تشکیل شود نه در دربار

رئیس - آقای مساوات

(اجازه)

مساوات - همه آقایان درهرموضوعی اهمیت میدهند ولی درمقام عمل آن اهمیت میدهند ولی درمقام عمل آن اهمیت را فراموش میفرمایند مسئله بودجه را تمام آقایان اهمیت میدهند حتی امروزهم نسبت بوزارت داخله اظهاراتی شد درجلسه سابق هم رأی گرفته شد که دو روز برای بودجه‌ها باشد امروز بواسطه اینکه بودجه حاضر نبود محول به پس فردا شد پس فردا هم یك چیزهای دیگر جزو دستور گذارده میشود و بودجه مطرح نمیشود بنده تمنا میکنم آقایان خودشان را ملزم کنند که حتماً در بودجه صحبت به فرمایند که زودتر بگذرد وبنده عقیده‌دارم حالا که امروز در بودجه صحبت نشد همان ترتیبی که رای داده‌شده معمول شود یعنی روز سه‌شنبه وچهارشنبه بودجه باشد و روز پنجشنبه درلوایح متفرقه صحبت بشود؛

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده اساساً با فرمایش آقای مساوات موافقم آن چیزی که رای داده‌شد همانها جزو دستور بشود ولکن خود آقای مساوات می‌دانند دیروز موضوع گذراندن قوانین بود که بکلی از بین رفت و ابداً صحبت نشد حالا بناشد جبران بشود .

یعنی روزسه‌شنبه که برای قوانین بود عوض بودجه‌قراردادیم لکن‌روز ٤ شنبه همان ترتیبی که آقای تدین پیشنهادفرمودند باید دستور معین شود.

یکی دیگر اینکه آقایان‌هی‌میفرمایند بودجه . بودجه بنده عرض میکنم بودجه درست هست ولی آقایان : بودجه یعنی دخل وخرج باهم شماهی خرج را تصویب می کنید آخر فکر دخل را هم بکنید . لایحه گل‌سرخ الان مدتی است که‌معطل مانده آخر آن هم دخل است چرا آن‌را تصویب نمی‌فرمایند :

آخر یك‌نفراز آقایان هم تقاضا کنند که این لایحه جزو دستور بشود که روز سه‌شنبه قبل‌ازتنفس دربودجه مذاکره‌بشود وبعداز تنفس در لایحه گل‌سرخ

تا اینکه اقلا دراین دوره چهارم‌یك قدمی هم برای عایدات مملکت برداشته باشیم .

رئیس- بالفعل از موضوع‌مذاکرات روز سه‌شنبه سخنی رانده میشود

آقای کازرونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده یك سؤالی از وزارت داخله‌داشتم.:

رئیس --- آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ‌الاسلام - یك اشتباهی‌درخصوص حقوق کمال‌الوزراء شده‌بود.

رئیس - موضوع دستور مطرح است .

شیخ‌الاسلام -چون بنده‌شنیده‌ام‌ایشان از مأمورین قدیمی بوده اند تقاضا میکنم تأکید بشود این لایحه را زودتر به مجلس بفرستند .

رئیس - دردستوو حرفی‌نیست؟

(اظهاری‌نشد)

رئیس - آقای‌مستشارالسلطنه‌ده‌روزه اجازه مرخصی‌خواسته‌اند کمسیون‌هم‌تصویب کرده باید رأی گرفته‌شود

(راپورث کمسیون عرایض‌به شرح ذیل قرائت شد)

کمسیون عرایض ومرخصی از تاریخ ۲٦ شهر جمیدی الاولی لغایت ده روز اجازه مرخصی به آقای مستشار السلطنه نماینده محترم بروجرد را تصویب‌مینماید

رفعة‌الدوله مخبر کمسیون عرایض و مرخصی

رئیس - آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند.

(اکثرنمایندگان‌قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب‌شد.

(مجلس سه ربع ساعت بعداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس موتمن‌الملك